

## جستاری در قواعد صرفی و نحوی گویش کردی جنوبی (با بررسی موردی سه زیرگویش خزلی، لکی و کلهری)

مسلم خزلی\*<sup>۱</sup>

سکینه آزادی<sup>۲</sup>

### چکیده

گویش کردی جنوبی یا ایلامی - کرمانشاهی یکی از چهار گویش اصلی زبان کردی (کرمانجی، سورانی، اورامی-گورانی و کردی جنوبی) است که خود، زیرگویش‌ها و لهجه‌های متعددی را شامل می‌شود. خزلی، لکی و کلهری، سه زیرگویش کردی جنوبی هستند که در این مقاله از لحاظ نکات دستوری و قواعد صرفی و نحوی، مورد مقایسه قرار گرفتند و به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها (با تأکید بیشتر بر تفاوت‌ها) پرداخته شد. در این پژوهش که از نظر روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است، پس از معرفی زبان کردی و گویش‌های آن، قواعد صرفی و نحوی زیرگویش‌های مورد نظر، تبیین و تشریح شد. نتایج این پژوهش حاکی از ارتباط بسیار نزدیک این گویش‌ها و وجود شباهت‌های بسیار و تفاوت‌هایی در آن‌ها بود؛ چنانکه این سه گویش در بسیاری از نکات دستوری با هم اشتراک دارند و تفاوت‌های موجود نیز بیشتر در صرف افعال، کاربرد ضمائر، قیدها، حروف اضافه و پیشوندها و به تعبیر ساده‌تر، در ساختار واژگان و افعال به صورت جزئی و در کاربرد بعضی از حروف نمود می‌یابد و همین تفاوت‌هاست که باعث تمایز این گویش‌ها و استقلال آن‌ها از یکدیگر شده و نظام دستوری هر یک از آن‌ها را خاص کرده است.

کلمات کلیدی: زبان کردی، گویش کردی جنوبی، گویش خزلی، لکی، کلهری، قواعد صرفی و نحوی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)\*

Email: Moslem\_khezeli@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام.

## ۱. مقدمه

زبان کردی، زبان میلیون‌ها کرد است که در یک حوزه وسیع جغرافیایی بدان تکلم می‌کنند. قبیله‌های ایرانی دوران باستان، خود را آریایی می‌نامیدند که پس از پراکندگی، زبان مشترک آن‌ها به لهجه‌هایی چون اوستایی، پارسی هخامنشی، مادی، سکایی و ... منشعب شد و هر لهجه با گذشت زمان و قوانین خاص خود، جداگانه تحول و تکامل پیدا کرد و در نهایت، گویش‌ها و زبان‌های مستقلی از آن پدید آمد. زبان‌های کردی، فارسی، لری و ده‌ها زبان و گویش دیگر، با همه تفاوت‌های ظاهری، ریشه در زبان کهن ایرانی دارند (همتی، ۱۳۷۵: ۳۸۲). «به عقیده مینورسکی، از زبان مادی، جز چند کلمه که اسامی خاص هستند، چیز دیگری در دست نیست، با وجود این می‌توان یقین دانست که عنصر مادی در پیدایش همه زبان‌های شمال غربی ایران، مؤثر و عامل اساسی بوده است. از لحاظ تاریخی و جغرافیایی باید قبول کرد که کردها از ماد صغیر که آتروپاتن یا آذربایجان کنونی است، پراکنده شده‌اند» (بدلیسی، بی‌تا: ۳۴). زبان کردی یکی از زبان‌های شمال غربی است که تعداد زیادی گویش و آثار مکتوب منظوم و منثور دارد؛ در واقع این آثار، جزو متون قدیمی مکتوب از قرن ششم هستند (ر.ک: گودزی، ۱۳۸۴: ۹۱). رخزادی (۱۳۷۹: ۳۲) گویش‌های زبان کردی را به چهار بخش تقسیم می‌کند: ۱. کرمانجی شمالی؛ ۲. کرمانجی جنوبی (سورانی)؛ ۳. کردی جنوبی یا ایلامی - کرمانشاهی ۴. گورانی - زازایی. یکی از مشکلات زبان کردی که مانع پیشرفت بیش از پیش آن شده است، کمی تألیفات در زمینه نحو زبان کردی است (البصیر، بی‌تا: ۱۰۲). اولین کتاب در این زمینه را «ماوریسو کارزونی»، کشیش مسیحی ایتالیایی، در سال ۱۷۸۷ به زبان کردی کرمانجی شمالی یعنی سورانی نوشته است (السید احمد، ۱۹۷۷: ۱۴). گویش کردی جنوبی به دو بخش کرمانشاهی و ایلامی و گویش کردی کرمانشاهی به شاخه‌های متعددی چون لکی، کلهری، جافی، اورامی، گوران، سنجایی، سنقری، صحنه‌ای و ... تقسیم می‌شود که در این میان، تعداد گویشوران لکی و کلهری بیشتر است. البته در خود شهر کرمانشاه، کردی کرمانشاهی و لکی غالب است. در استان ایلام نیز گویش‌های خزلی، ملکشاهی، شوهانی، کلهری، میشخاسی، ارکوازی و بیرهای (بدره‌ای) گویشوران بیشتری دارد؛ البته در شهرستان‌های آبدانان و دهلران به گویش کردی با لهجه‌ای خاص تکلم می‌شود؛ هرچند گویش‌های لری و لکی نیز در دهلران و دره‌شهر رواج دارد. لازم به ذکر است که در خود شهر ایلام، کردی خاص ایلام، گویش غالب است. گویش کردی جنوبی دارای ادبیات نظم و نثر بسیار غنی است و به گواهی آثار باقیمانده از قرن دوم هجری تا صدساله اخیر، زبان ادبی و شعری کردها، «گورانی» بوده است که زبان ادبی و شعری بزرگان آیین یارسان یا اهل حق محسوب می‌شد. سابقه قدیمی‌ترین اشعاری که به این زبان نوشته شده است به قرن دوم هجری می‌رسد (صفی‌زاد، ۱۳۷۰: ۶۱).

### ۱-۱. اهداف پژوهش

این پژوهش با هدف معرفی سه زیرگویش کردی؛ یعنی خزلی، لکی و کلهری، تبیین مختصات سبکی این گویش‌ها با یک بررسی تطبیقی و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها از منظر مختصات زبانی و قواعد صرفی و نحوی نگاشته شده است.

### ۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱. تفاوت‌های موجود در زیرگویش‌های لکی، خزلی و کلهری بیشتر در چه زمینه‌هایی است؟
۲. آیا تفاوت‌های موجود در زیرگویش‌های مذکور، باعث ایجاد نظام دستوری خاص در هر یک از آن‌ها شده است؟
۳. آیا تفاوت‌های موجود، در فهم و عدم فهم متقابل گویشوران آن‌ها مؤثر است؟

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه زبان کردی و گویش کردی جنوبی، پژوهش‌های فراوان و ارزشمندی انجام شده است که در اینجا به پژوهش‌های مرتبط با گویش‌های خزلی، لکی و کلهری اشاره می‌شود. گویش خزلی در مقالات «فعل در گویش خزلی» نوشته مسلم خزلی و سکینه آزادی (۱۳۹۶) و «توصیفی مقابله‌ای از آوای گویش خزلی از زبان کردی و گونه رسمی فارسی معیار» به قلم طیبه خوشبخت (۱۳۸۵) بررسی شده است. مقالات «واژه‌ها و اصطلاحات کشاورزی در گویش لکی» نوشته جعفر میرزایی و قیطور عامری (۱۳۸۵)، «واژگانی از لکی» (اسکنانی) از علی مصریان و آذر کلهر (۱۳۸۷)، «پسوندهای فعلی گویش لکی هرسینی» اثر زینب محمدابراهیم جهرمی و سیمین مرادخانی (۱۳۸۷)، «گویش لکی ایلام و جایگاه زبانی آن» نوشته تیمور پیری (۱۳۸۳) و کتاب «گویش لکی (آواشناسی، دستور واژگان)» اثر رضا آزادپور، پژوهش‌هایی هستند که در مورد زبان لکی انجام شده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در مورد گویش کلهری نیز عبارتند از «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به انار در گویش کلهری» از ناصر ملکی و داریوش یارمرادی (۱۳۸۳)، «بررسی واژه‌های دامداری در گویش کلهری» به قلم ناصر ملکی (۱۳۸۳) و کتاب «گویش کلهری» اثر حمید خانیان (۱۳۸۸).

چنان که هویدا است تاکنون گویش‌های خزلی، لکی و کلهری، به طور مستقل، مورد بررسی تطبیقی قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین مقاله حاضر از نظر موضوع مورد پژوهش، تازه و بکر است.

#### ۴-۱. محدوده جغرافیایی گویش کردی جنوبی

گویش کردی جنوبی در محدوده استان‌های کرمانشاه و ایلام، شهرهای قروه و بیجار از استان کردستان، الشتر، کوه‌دشت و بخش‌هایی از خرم‌آباد در استان لرستان و شهرهای اسدآباد و نهاوند در استان همدان رایج است.

#### ۵-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و چون ضرب‌المثل‌ها بیانگر گفتگوهای روزمره هر زبان و گویشی هستند، در این مقاله سعی شده است از ضرب‌المثل‌های رایج در زبان کردی به عنوان شاهد استفاده شود که بیشتر آن‌ها برگرفته از کتاب‌های «یکهزار ضرب‌المثل کردی» اثر اکبر رضایی و نورالله کریمی (۱۳۸۵) و «بومیان دره مهرگان» اثر رستم رحیمی عثمانوندی (۱۳۷۹) هستند.

#### ۶-۱. بیان مسئله

چنانکه گفته شد زبان کردی، چهار گویش اصلی دارد و کردی جنوبی یکی از آن‌هاست. کردی جنوبی، خود، زیرگویش‌های متعددی دارد که هرکدام از آن‌ها دارای لهجه‌های متنوعی هستند. این گویش‌ها در طول تاریخ با هم داد و ستد زبانی داشته و در برخورد و سایش بوده‌اند. همه این زیرگویش‌ها در نکات دستوری و صرفی با هم اشتراکاتی دارند؛ با این حال، دارای تفاوت‌هایی نیز هستند که باعث تمایز گویش‌ها از همدیگر می‌شود. نویسندگان مقاله حاضر بر آن شدند تا در جهت تبیین این موارد در گویش‌های خزلی، لکی و کلهری به پژوهش دست یازند.

#### ۷-۱. گویش خزلی

گویش خزلی گویشی است که مردمان ایل خزل به آن تکلم می‌کنند و گستره آن شامل بخش‌هایی از استان‌های ایلام، کرمانشاه و همدان است. در استان ایلام گویشوران اصلی خزلی ساکن مناطقی چون سرابله، آسمان‌آباد، کارزان و زنجیره هستند. این گویش در بخش‌هایی از استان کرمانشاه از جمله کنگاور، قصر شیرین، گیلانغرب و سرپل ذهاب نیز گویشورانی دارد. گویشوران خزلی شهرستان کنگاور، ساکن خزل غربی و روستاهای اطراف آن هستند و گویش آن‌ها متأثر از گویش غالب در این منطقه یعنی گویش لکی است. در شهرستان‌های قصرشیرین، گیلانغرب و سرپل ذهاب و روستاهای اطراف آن نیز تکلم به این گویش با اختلاف

لهجه همراه است. بسیاری از ساکنان شهرستان نهاوند، شهر فیروزان و خزل شرقی در استان همدان نیز به گویش خزلی تکلم می‌کنند؛ البته گویش خزلی در بخش خزل شرقی، متأثر از گویش مجاور خود یعنی گویش لری است.

#### ۸-۱. گویش لکی

گویش لکی یکی از زیرگویش‌های کردی جنوبی است که در گستره استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان به آن تکلم می‌شود. گویشوران لکی در استان ایلام، ساکن بخش‌هایی از شهرستان‌های دره‌شهر، دهلران، شیروان و چرداول؛ در استان لرستان، ساکن الشتر، کوه‌دشت و نورآباد؛ در کرمانشاه، ساکن شهر هرسین و بخش‌هایی از شهرهای کنگاور و صحنه و در استان همدان، ساکن شهر نهاوند هستند. «مرکز اصلی گویش لکی در کرمانشاه، شهرستان هرسین است. این گویش با گویش لری برخورد دارد؛ بنابراین واژگان فراوانی بین این دو گویش، رد و بدل می‌شود» (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). دهخدا نوشته است: «از ایلات و طوایف کُرد [هستند] که در کرمانشاه، همدان، اصفهان، کردستان، چهارگاو و اسفندآباد مسکن دارند» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲: ۱۷۴۳۲). «لکی، گویش طوایف لک است. این گویش جزو زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است. زبان‌شناسان، لکی را در شاخه‌های زبان کردی قرار داده‌اند» (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰: ۵۴۸-۵۴۹). واژگان، نحو، قواعد دستوری و ساختار فعلی، سنت‌های فرهنگی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر نشان می‌دهد که «لکی» یکی از گویش‌های اصیل و برجسته کردی است (پیری، ۱۳۸۳: ۱۱۵). پالیزیان (۱۳۸۰: ۱۰) نیز گویش لکی را جزو گویش کُردی جنوبی دانسته که با گویش گورانی کرمانشاهی همبستگی فراوان دارد.

#### ۹-۱. گویش کلهری

گویش کلهری یکی دیگر از گویش‌های کُردی جنوبی است که ادبیاتی کهن و غنی دارد. تکلم به این گویش در دو استان کرمانشاه و ایلام رایج است؛ در استان کرمانشاه، گویشوران کلهری، ساکن گیلانغرب، اسلام‌آباد غرب، ماهیدشت و بخشی از سرپل ذهاب و در استان ایلام، ساکن ایوان غرب هستند؛ البته در کشور عراق، به‌ویژه بسیاری از ساکنان شهرهای خانقین و مندلی نیز به گویش کلهری سخن می‌گویند (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

## ۲. بحث

### ۲-۱. صرف فعل

هستی و توان هر زبانی به فعل‌های آن وابسته است. تا زمانی که فعل باقی است، حتی با وجود واژگان بیگانه، استقلال و هویت زبان پابرجا می‌ماند. فعل، پایه و ستون جمله است، ارکان و اجزای جمله را به هم می‌یابد و به نهاد نسبت می‌دهد و سرنوشت نهاد و جمله را رقم می‌زند (ر.ک: عشوری، ۱۳۸۱: ۴۱ و محمد ابراهیمی جهرمی و مرادخانی، ۱۳۸۷: ۹۲). «در زبان کردی، صرف فعل از ریشه‌های حال و گذشته حاصل می‌شود که پیشوندهای زمانی، پیش از آن و پسوندهای شخصی، پس از آن می‌آید. از ریشهٔ حال، زمان‌های حال ساده، حال استمراری، حال التزامی، آینده، و امری ایجاد می‌شوند. از ریشهٔ گذشته نیز زمان‌های گذشته ساده، استمراری، کامل، گذشتهٔ استمراری روایتی، بعید، التزامی کامل، شرطی، شرطی گذشته، شرطی کامل و ... به دست می‌آید» (بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۴۹).

در زبان کُردی نیز همچون دیگر زبان‌ها، فعل در ساختار جمله، نقش کلیدی دارد. در ادامه، با صرف افعال ماضی، مضارع، امر و شرط، ویژگی‌های مشابه و متفاوت سه گویش خزلی، لکی و کلهری، نشان داده می‌شود.

### ۲-۱-۱. صرف فعل ماضی (استمراری)

نظام تصریف افعال در گویش کردی جنوبی همچون زبان عربی و فارسی، ساختار کاملی دارد و در زمان‌های متعددی چون ماضی، مضارع، امر، شرط و ... صرف می‌گردد. در گویش کردی جنوبی، فعل ماضی، در زمان‌های ماضی ساده، نقلی، بعید، استمراری، التزامی و اخباری وجود دارد که در این مقاله برای پرهیز از زیاده‌گویی، از میان فعل‌های ماضی، به بررسی ماضی استمراری (به خاطر کاربرد خاص آن) پرداخته می‌شود. این فعل، یکی از تفاوت‌های مهم گویش خزلی و لکی با گویش کلهری را بروز می‌دهد. چنانکه می‌دانیم ماضی استمراری در زبان فارسی از اضافه شدن «می» به آغاز فعل ماضی ساده ساخته می‌شود. در گویش‌های لکی، خزلی و کلهری نیز ساخت این فعل، باقاعده است. در گویش‌های لکی و خزلی، «مه» به آغاز فعل اضافه می‌شود؛ اما ساختار این فعل در گویش کلهری متفاوت است. در گویش خزلی و لکی ماضی استمراری به یک شکل به کار رفته است، ولی در گویش کلهری ماضی استمراری به کار نرفته و به جای آن از ماضی ساده استفاده شده است.

به افعال موجود در ضرب‌المثل زیر بنگرید:

مثال: «روبا دهانش به انجیر نمی‌رسید، گفت تلخ است».

خزلی: روی ده‌می وه نه‌نجیر نهم‌ره‌سی وت تیه‌له / fuwi damê wa anjir nemařasi wet tyala

لکی: رووا ده‌می ئه‌نجیر نهمه‌رسی، وتی ته‌له / fuwâ damê anjir nemařasi vetê taľa

کلهری: رووی ده‌می وه ئه‌نجیر نهمه‌رسی وهت تیه‌له / řuwi damê wa anjir nařasi wattyala

در مثال‌های بالا، فعل ماضی استمراری به دو گونه است و این زمان از فعل مورد نظر در گویش‌های خزلی و لکی، شکل یکسانی (نهمه‌رسی / nemařasi) دارد؛ اختلاف ساختاری این فعل با ماضی استمراری در زبان کلهری در حروف پیشین بن فعل (ره‌س / řas) است. همچنین به مثال زیر توجه کنید:

مثال: «ما در گذشته زیاد به کوهنوردی می‌رفتیم»:

خزلی: ئیمه ئه‌وسا فره مه‌چیایمنه کوی / eyma awsâ fera maçyâïmena kuwê

لکی: ئیمه ئه‌وسا فره مه‌چیایمه کۆینه‌فهردی / eyma awsâ fera maçyâïma keonavardi

کلهری: ئیمه ئه‌وسا فره چیمنه کۆه / eyma awsâ fera çymen küwa

بن فعل در مثال‌های مذکور، «چین/çên» است و هر سه فعل در هر سه گویش، استمرار فعل «رفتن» در گذشته را نشان می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مثال، شکل فعل در گویش خزلی و لکی، قرابت و نزدیکی دارند و اختلاف آن‌ها تنها در یک واک است؛ اما «چیمنه / çimena» در گویش کلهری تنها از لحاظ معنایی و بن فعل با آن‌ها مشترک است و ساختاری کاملاً متمایز از آن‌ها دارد و به صورت فعل ماضی ساده به کار رفته است. در گویش خزلی این فعل به شکل «چیايمن» هم به کار برده می‌شود که معمولاً گویشور خزل در گفتگوی خود با گویشوران دیگر گویش‌ها به‌ویژه کلهری از آن استفاده می‌کند؛ زیرا لفظ «مه‌چیايمن / maçyâïmen» برای گویشور کلهری، ثقیل است و او برای اینکه تلفظ این فعل ساده‌تر شود، حرف اول بن فعل «چیم» را حذف می‌کند تا به شکل ماضی ساده‌ای که در گویش کلهری کاربرد دارد نزدیک‌تر شود. ولی همین لفظ «چیايمن» هم برای گویشوران کلهر ناشناخته و غریب است و باز نیاز به چرخش زبانی دارد. بنابراین، گویشوران کلهر به جای استفاده از فعل ماضی استمراری از ماضی ساده استفاده می‌کنند.

بررسی این فعل را با مثالی دیگر ادامه می‌دهیم:

مثال: در گذشته به خانه شما می‌آمدم.

خزلی: ئه‌وسا ماتمه مالدان / awsâ mâtema mâledân

لکی: ئه‌وسا مه‌تمه را مال هومه / awsâ mehtmařa mâľ homa

کلهری: ئه‌وسا هاتمه مالدان / awsâ hâtma mâledân

در این مثال، ساختار فعل ماضی استمراری بسیار شبیه هم است و حروف پیشین و پسین بن فعل «هات/hât») نیز یکسان است، ولی در گویش کلهری تنها فعل ماضی ساده «هاتم/hâtem») کاربرد دارد و از لحاظ حروف پیشین بن فعل «هات») تفاوت دارد و حرف «م») که در خزلی و لکی در آغاز بن فعل می‌آید، در کلهری حذف شده است.

نکته جالب این است که در گویش خزلی نوع دیگری از فعل ماضی استمراری کاربرد دارد که با شکل متداول آن در این گویش، اندکی تفاوت دارد. یک گویشور خزل در برابر یک گویشور کلهر وقتی می‌خواهد فعل «آمدن») را به صورت ماضی استمراری به کار ببرد و به ساختار زبانی او نزدیک‌تر شود، حرف اول بن فعل «هات») یعنی حرف «م») را حذف می‌کند و به جای آن حرف «ه») را به کار می‌برد و حرف «ی») را نیز به وسط فعل اضافه می‌کند و نوع دیگری از فعل ماضی استمراری را تولید می‌کند. البته، در این جا نیز لفظ «هاتیام/hâteyâm») برای گویشور کلهری ناآشناست و چون تلفظ این فعل نیاز به چرخش زبانی بیشتری دارد، او ترجیح می‌دهد که همان ماضی ساده یعنی «هاتم») را به کار ببرد. البته، نکته مهم این است که تفاوت در کاربرد فعل ماضی استمراری در این سه گویش موجب نشده است که گویشوران یکی از این سه گویش، جملات و عبارات گویش‌های دیگر را نفهمند و در برقراری ارتباط میان آن‌ها اختلال ایجاد شود:

«ئهوسا هاتیامه مالدان») / *awsâ hâteyâma mâledân*

در پایان نمونه‌ای از ماضی استمراری منفی آورده می‌شود:

مثال: «مهمان از مهمان خوشش نمی‌آمد، صاحب‌خانه از هر دو تا».

خزلی: میمان خواه‌شیه و میمان نمات، مال‌خاون یه هه‌ردگیان /

*mêmân xwašêaw mêmân nemât, mâlxâwn ya hardegêyân*

لکی: میمان ئی میمان خواه‌ش نم‌هه‌تی، سایمال ئی هه‌ر دک /

*mêmân eê mêmân xwaš nemahatê, sâwmâl eê har dek*

کلهری: میوان خواه‌شیه و میوان نات، ساوماں ئه و هه‌ر دگیان /

*mêwân xwašêaw mêwân nât, sâwmâl aw hardegêyân*

در گویش کلهری از فعل ماضی ساده «نات/nât») استفاده می‌شود.

میوان خواه‌شی له میوان نات، ساوماں له هه‌ر دگیان /

*mêwân xwašê la mêwân nât, sâwmâl la hardegêyân*

آن طور که از مثال بالا برمی‌آید، در گویش خزلی و لکی فعل ماضی استمراری به کار رفته است و ساختار فعل، به‌ویژه حروف پیشین بن فعل «هات»؛ یعنی حروف «ن») و «م») شبیه هم هستند، ولی



حروف پسین بن فعل تغییر می‌کنند. ولی در گویش کلهری به جای فعل ماضی استمراری منفی، از فعل ماضی ساده منفی استفاده می‌شود. البته، در این جا ساختار فعل ماضی استمراری منفی به کاررفته در گویش خزلی، بسیار شبیه به ساختار ماضی ساده در گویش کلهری است و تنها حرف «م» است که باعث شده است فعل در گویش خزلی به صورت ماضی استمراری به کار رود.

می‌توان گفت در بیشتر گویش‌های کردی فعل ماضی استمراری کاربرد دارد؛ مثلاً در گویش کردی بدره‌ای یا «بیره‌ای» فعل ماضی استمراری را این گونه صرف می‌کنند:

مثال: «کتاب‌ها را می‌آوردم» / «کتاوه یله دیاوردم» / *ketawayla dêâwerdem*.

البته در این جا، پیشوند «می» برای ماضی استمراری به کار نرفته است، ولی معنای ماضی استمراری می‌دهد (ر.ک: کریمی دوستان، ۱۳۸۰: ۷۸).

## ۲-۱-۲. صرف فعل مضارع

در صرف فعل مضارع در این سه گویش نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.

مثال: «آبی که به رودخانه بریزد، بهتر است خویشاوند آن را ببرد نه بیگانه».

کزلی: ناویگ برشینگه چه‌م، قه‌وم بوه‌ینگه‌ئ بئتره تا بیگانه /

*âwêg befešêga çam, qawm bwaêgaê bêtera tâ bêgâna*

لکی: ناوی که برشی روو، بئتره فامیل بئرتی نه بیگانه /

*âwê ke beřšê ru, bêtera fâmil bêrtê na bêgâna*

کلهری: ناویگ برشینگه چه‌م، خیش بووه‌یده‌ئ بئتره نه بیگانه /

*âwêge befešêga çam, xêš bwaêdaê bêtera na bêgâna*

بنابراین، تفاوت حروف در فعل «ببرد» در هر سه گویش نمایان است و این فعل در گویش خزلی

«بوه‌ینگه‌ئ / *bwaêgaê*» و در گویش لکی «بئرتی / *bêrtê*» و در گویش کلهری «بووه‌یده‌ئ /

*bwaêdaê*» است. در این جا حروف پیشین بن فعل «بردن» در گویش خزلی و کلهری بیشتر به هم

شبیه هستند و در گویش لکی تنها حرف «ب» شبیه به دو گویش دیگر است، اما حروف پسین بن فعل

در هر سه گویش تغییر زیادی داشته است. البته این تغییر در ساختار فعل، باعث اختلال در فهم

متقابل گویشوران این سه گویش از هم نشده است.

کاربرد حرف «م» در افعال مضارع در گویش خزلی و لکی زیاد است. بررسی ساختار افعال

گویش خزلی نشان می‌دهد که فراوانی استفاده از «م» در گویش خزلی از گویش لکی بیشتر است.

مثال: «دزد دزدی می‌کند و گرگ گرگی می‌کند، روز مبادا یار و غمخوار یکدیگر و پشتیبان هم می‌شوند».

خزلی: دز دزی مه‌که‌ئ، گورگ گورگی مه‌که‌ئ، رووژ نیک و به‌د، یه پیشت یه‌ک ئیره‌مان /  
 dez dezi makaê, gweg gwegi makaê, ruž-e nêk-o bad, ya pêšt yak eêramân

لکی: دوز دوزیه مه‌که‌ئ، گورگ گورگی، رووژ نیک و به‌د، پیشیبیان یه‌که مه‌قون /  
 düwez düwezîa makaê, gweg gwegi, ruž-e nêk-o bad, pêštîbân yaka maüwen

کلهری: دز دزی که‌ید، گورگ گورگی، رووژ نیک و به‌د، له پیشت یه‌ک دران /  
 dez dezi kaêd, gweg gwegi, ruž-e nêk-o bad, la pêšt yak derân

در گویش کلهری حرف «د» به آخر ساختار اصلی فعل اضافه می‌شود.

در این جمله، فعل «مه‌که‌ئ / makaê» در گویش خزلی به کار رفته است ولی در گویش لکی از حرف «م» استفاده نشده است؛ در واقع استفاده از حرف «م» در گویش خزلی عمومیت بیشتری دارد؛ بنابراین، در این جا گویش لکی و کلهری به هم نزدیک‌تر هستند.

گرچه گاهی در هر دو گویش خزلی و لکی، حرف «م» در آغاز فعل به کار می‌رود، اما باز هم حرف یا حروفی از ساختار فعل در آن‌ها متفاوت است.  
 مثال: «سر آدم را می‌تراشد و آینه به دستش می‌دهد».

خزلی: سهر نایمه مه‌تاشینگ و جامه‌که مه‌یگه (مه‌ئ وه) ده‌سی /

sar âêama matâšêg-o jâmaka maêga dasê

لکی: سهر نایمه مه‌تیشی ناینه مه‌یتیه ده‌سا /  
 sar âêama matêšê, âina maêtêa dasâ

کلهری: سهر نایمه تاشید و جامه‌ک ده‌یده ده‌سی /  
 sarê âêam tâšêd-o, jâmak daêda dasêaw

در این جا دیده می‌شود که در هر دو گویش لکی و کلهری، حرف «م» در آغاز فعل «مه‌یگه / maêga» و «مه‌یتیه / maêtêa» آمده است ولی این دو فعل هم از لحاظ ساختار و هم از نظر حروف، با هم تفاوت دارند. این تغییرات در گویش کلهری بیشتر است؛ یعنی هم حرف «م» در آغاز فعل نمی‌آید و هم حرف «د» به آخر و یک بار به اول فعل افزوده می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت فعل در گویش خزلی هم از لحاظ آوایی و هم از لحاظ صرفی، با دو گویش لکی و کلهری بسیار تفاوت دارد.

همچنین حروف فعل در گویش خزلی با دو گویش لکی و کلهری تفاوت‌هایی دارد. برخی از این تفاوت‌ها در ابدال و تغییر یکی از حروف یا اضافه شدن حرفی به فعل نمود می‌یابد؛ مانند فعل «برود» در جمله زیر:

مثال: «ابن الوقت (نان به نرخ روز خور) جایی نمی‌نشیند که آب زیرش برود».

خزلی: ئبن وهخت یه جایگ نمه‌نیشی، ئاو بیه‌یگه ژیری /

ebne waxt ya jâêg nemanišê, âw bêaâga žêrê

لکی: ئبنل وهخت ئی جائی نمه‌نیشی، ئاو بایته ژیری /

ebnel waxt eê jâê nemanišê, âw bâitêa žêrê

کلهری: ئبن وهخت له جایگ نیه‌نیشی، ئاو بایدنه ژیری /

ebne waxt la jâêg nyanišê, âw bâêdena žêrê

با دقت در فعل‌های «بیه‌یگه / bêaâga»، «بایته / bâitêa» و «بایدنه / bâêdena» متوجه می‌شویم که ساختار اصلی فعل در هر سه گویش یکی است، ولی در هر کدام، حرفی متفاوت با دیگر گویش آمده است. در گویش خزلی حروف «گ» و «ه»، در گویش لکی حرف «ت» و در گویش کلهری حروف «د»، «ن» و «ه» اضافه شده است. این فعل‌ها در عین تشابه در ساختار اصلی فعل، در حروف تفاوت دارند و همین امر، باعث تمایز این گویش‌ها از هم شده است. همچنین حروف فعل مضارع «می‌زند» در هر سه گویش با هم تفاوت دارد.

مثال: «دزد ناشی به کاهدان می‌زند».

dez-e naši mayga keyan

خزلی: دز ناشی مه‌یگه کیان /

dez-e nâši neêar kadân

لکی: دوز ناشی نیه‌ر کدان /

dez-e nâši daêda kaêân

کلهری: دز ناشی ده‌یده کیان /

این مثال نشان می‌دهد که در گویش خزلی، حرف «گ» و در گویش لکی، حرف «ر» باعث تمایز آن‌ها از هم می‌شود. ساختار فعل در گویش کلهری، تغییر بیشتری می‌یابد و حرف «د» دو بار در آغاز و پایان فعل تکرار می‌شود.

در صرف افعال مضارع منفی نیز تفاوت‌هایی در هر سه گویش وجود دارد. برای نمونه در صرف فعل مضارع منفی «نمی‌آورد» در جمله زیر دقت کنید:

مثال: «سنگی را که نادان به چاه می‌اندازد، هزار دانا آن را از چاه بیرون نمی‌آورد».

خزلی: کوچگی لئوه بخه‌یگه‌ئ چال، هزار دانا نمار‌یگپر /

kweçegê lêwa bexaêgaê çâl, hezâr dâna nemârêgeêer

لکی: کوچگی ک شیت بایستی نام چال، هزار زانا نمار‌تی دهر (ئی دهر نمار‌تی) /

kweçekê ke šêt bâštê nâm çâl, hezâr zânâ nemârêtêe dar

کلهری: کوچگی گ شیت بخه‌یده‌ئ چال، هزار زانا نیه‌راریده‌ئ /

kweçegê ge şêt bexaêdaê câl, hezâr zânâ nyarârêdaê

بنابراین، در فعل منفی «نمارِگِیَیِر/ nemârêgeêr» در گویش خزلی و «نمارِتِیَیِر/ nemârêtêe» در گویش لکی، حروف پیشین بن فعل، شبیه هم هستند ولی حروف پسین آن کاملاً متفاوتند. این در حالی است که در فعل «نیه‌رارِیَیَیَ / nyarârêdaê» در گویش کلهری، هم حروف پیشین و هم حروف پسین بن فعل فرق دارد.

همچنین افعال «بخه‌یَگه‌یَ / bexaêgaê» در گویش خزلی و «بایشِیَیَ / bâştê» در گویش لکی و «بخه‌یَیَ / bexaêdaê» در گویش کلهری با وجود شباهت در ساختار اصلی فعل در برخی از حروف با هم تفاوت دارند.

صرف فعل «می‌خواهد» در هر سه گویش نیز این تفاوت‌ها را تأیید می‌کند.

مثال: «این خمیر آب زیادی می‌خواهد».

خزلی: ئیَ خه‌میره ئاو فره‌یَگه مه‌خوازی مه‌توای / eê xaüra âw feraêga matowâê

لکی: ئیَ حه‌میره ئاو فره‌مه‌تیَ / eê hamira âw fera matê

کلهری: ئیَ خه‌وره ئاو فره‌یَ توایَد / eê xaüra âw feraê towâêd

در این جا نیز حروف پیشین و پسین بن فعل در خزلی «مه‌توای» و لکی «مه‌تی» شبیه هم هستند و فقط حرف «ا» در گویش خزلی، اندک تفاوتی ایجاد کرده است. ولی در گویش کلهری، حروف پیشین و پسین با دو گویش دیگر تفاوت آشکاری دارد.

## ۲-۱-۳. صرف فعل امر

در کاربرد برخی از افعال امر در این سه گویش نیز تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد.

مثال: «دستت را از جیبیت بیرون بیاور».

خزلی: ده‌سد یه نام گیفاند بارِیَیَیَ (ئیر بارِیَیَ) / dased ya nâm-e gifâned bâreêr

لکی: ده‌ست ئیَ جَو بارِیَیَ (ده‌ست ئیَ نام گیفاند درار) / daset eê jü bareêr (daset eê nâm gifêned derêr)

کلهری: ده‌سد له ناو گیفاند درار / dased la nâw gifâned derâr

در خزلی و لکی، حروف پیشین و پسین فعل امر کاملاً شبیه هم هستند ولی در کلهری کاملاً متفاوت باز دو گویش دیگرند.

گاهی نیز در گویش‌های خزلی و لکی، افعال امر با «ب» و در گویش کلهری با پیشوند «ئه‌ل» شروع می‌شوند.

مثال: «آن پارچه را بشکاف».

خزلی: ئه‌و په‌رووه بچین (بته‌کنینه‌و) / aw paŋuwa beçepen (betakenaêaw)

لکی: ئه‌و په‌رووه بچین (بوور) / aw paŋuwa beçepen (buweŋ)

کلهری: ئه‌و په‌رووه ئه‌لچین / aw paŋuwa ałçepen

فعل امر در دو گویش خزلی و لکی کاملاً یکسان است اما در گویش کلهری، حروف پسین فعل به دو گویش دیگر شبیه است و حروف پیشین آن (ئه‌ل) با حرف پیشین دو گویش دیگر (ب) تفاوت دارد.

## ۲-۱-۴. صرف فعل شرط

صرف فعل شرط در این سه گویش نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد که در تغییر برخی از حروف فعل نمود می‌یابد.

مثال: «اگر تو مرد کار باشی، کار زیاد است».

در گویش خزلی حرف «د» ابدال می‌یابد و گفته می‌شود:

خزلی: ئه‌ر ت پیای کار بتود، کار فره هه‌س / ar te pyâê kêr bûd, kêr fera has

ولی در گویش لکی به جای «د» حرف «ن» به کار می‌رود:

لکی: ئه‌ر تو پینا کار بتون کار فره هه‌س / ar tew pêêâ kêr bûn kêr fera has

اما در گویش کلهری، هم «بوید» به کار می‌رود و هم «ن» به آن اضافه می‌گردد:

کلهری: ئه‌ر ت پیای کار بتودن، کار فره هه‌س / ar te pyâê kêr bûden kêr fera has

## ۲-۲. قواعد نحوی

### ۲-۲-۱. حروف اضافه

حروف اضافه از طبقات بسته زبان و از عوامل مهم دستوری به شمار می‌روند؛ زیرا از یک سو محدودند و از سوی دیگر وظیفه و نقش گروه اسمی یا اسم را در جمله تعیین می‌کنند (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۶۴). در زبان کردی نیز حروف اضافه زیادی وجود دارد که برای اشاره به مکان و زمان خاص و بیان

جنس اشیا و همچنین همراهی و مشایعت در عملی به کار می‌روند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

۲-۱-۲. در هر سه گویش مورد بحث، برای بیان آغاز کار در مکانی خاص، از حروف اضافهٔ مختلف استفاده می‌شود؛ مثلاً در جملهٔ «از اینجا رفتم» در گویش خزلی از حرف اضافهٔ «یه» استفاده و «یه ئیره چیّم/ya eêra cêm» گفته می‌شود. در گویش لکی «ئهژ / až» و «ئی/ eê» به کار می‌رود: «ئهژ (د) ئیره چم/ až eêra cêm» و «ئی ئیره چیّم/ eê eêra cêm» اما در گویش کلهری از «له» استفاده می‌شود: «له ئیره چیّم/ la eêra cêm».

۲-۱-۲. برای بیان جنس اشیا؛ مثلاً از آهن، در گویش خزلی «یه ناسن/ ya âsen»، در گویش لکی «ئهژ ناسن/ až âsen» و در کلهری «له ناسن/ la âsen» گفته می‌شود.

۲-۱-۳. برای اشاره به مکان؛ مثلاً در جملهٔ «در آنجا»، در گویش خزلی «یه ئوره / yaawra»، در لکی «ئی وره/ eê wera» و در کلهری «له ئوره / la awra» به کار می‌رود. پس در گویش خزلی از حرف اضافهٔ «یه» و در لکی از «ئهژ و ئه‌ر» و در کلهری از «له» استفاده می‌شود و این امر باعث تغییر سیستم آوایی هر سه گویش و تمایز آن‌ها از یکدیگر می‌گردد.

۲-۱-۴. حروف اضافه‌ای که بر همراهی و مشایعت دلالت می‌کنند، در هر سه گویش با هم تفاوت دارند؛ به عنوان مثال، در جملهٔ «همراه تو آمدم»، در گویش خزلی از حرف اضافهٔ «ئه‌ول/awl» استفاده می‌شود: «ئه‌ولد هاتم/ awled aâtem»، در گویش لکی حرف اضافهٔ «ئه» به کار می‌رود: «وه گه‌رد تو هه‌تم/ wa garde tew hatem» و در گویش کلهری، از حرف اضافهٔ «وه‌ل» استفاده می‌شود: «وه‌ل ت هاتم/ wale te hâtem». این حروف اضافه، معادل حرف اضافهٔ «با» در فارسی هستند.

## ۲-۲-۲. کاربرد قید

قید، کلمه‌ای است که بجز اسم، کلمات دیگری مانند فعل و صفت را به زمان، مکان یا حالت خاصی مقید سازد (ر.ک: معین، ۱۳۸۷: ۸۵۸). در زبان کردی نیز انواع قیدها اعم از قید زمان، مکان، حالت

و... به کار می‌روند که در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از این قیود، شباهت و تفاوت کاربرد آن‌ها را در سه گویش خزلی، لکی و کلهری نشان می‌دهیم.

## ۱-۲-۲-۲. قید زمان

معمولاً معنی قیدهای زمان، به زمان مربوط می‌شود یا اوقات و نوع فعل را نشان می‌دهد. در گویش کردی جنوبی نیز قیدهای زمان فراوانی وجود دارد که در بیشتر گویش‌ها مشترک است. در این جا به چند مورد اشاره می‌شود.

۱- «شب» در جمله «شب باران آمد /

: (šaw wârân hât

šeêw wârân hat

لکی: شب واران هت /

šaêw wârân hât

خزلی و کلهری: شهو واران هات /

۲- «دیروز / دقه‌که» در جمله «علی دیروز رسید»:

ali dewna fâsi

لکی: عه‌لی دونه (دقه‌که) ره‌سی /

ali doiaka rasei

خزلی و کلهری: عه‌لی دقه‌که ره‌سی /

البته در برخی لهجه‌های لکی به‌ویژه لکی هرسینی و کرمانشاهی از لفظ «دقه‌که/ (düaka) استفاده می‌شود و در لجه‌ کوه‌دشتی «دونه / dewna» هم به کار می‌رود.

۳- «عصر / ئیواره (eêwâra)» در جمله «عصر از خانه رفتم»:

eêwâra ya mâl cêm

خزلی: ئیواره یه مال چیم /

eêwâra eê mâl cêm

لکی: ئیواره ئی مال چم /

eêwâra la mâl cêm

کلهری: ئیواره له مال چیم /

۴- «صبح / شه‌وه‌کی» در جمله «صبح باید به دانشگاه بروم»:

šawaki baêad beçema dâneşgâ

خزلی: شه‌وه‌کی بایه‌د بچمه دانشگاه /

sar-e sew baêad beçemaîrê dâneşgâ

لکی: سه‌رسو بایس بچمه‌ری دانشگاه /

šawaki baêad beçem erâ dâneşgâ

کلهری: شه‌وه‌کی بایه‌د بچم ئرا دانشگاه /

در گویش لکی افزون بر لفظ «سه‌رسو / sar-e sew» از واژه «شه‌وه‌کی / šawakei» نیز استفاده می‌شود.

البته در این سه گویش، قیدهای زمان دیگری نیز هستند که با هم تفاوت دارند. از این قیدها می‌توان به «ئیسه / eêsa»، «ئیرنگه / eêrenga»، «همه‌م‌را / hamera» و «ئسکه / eêska» اشاره کرد. این قیود، مترادف و به معنای «الان» و «اکنون» هستند. سه قید اول بیشتر در گویش خزلی و کلهری و گاه در گویش لکی به کار می‌روند ولی مورد چهارم با توجه به حروف خاص خود، مختص گویش لکی است و در دو گویش دیگر به این نحو به کار برده نمی‌شود، بلکه به صورت «ئیسه / eêsa» به کار می‌رود. به‌کارگیری هر کدام از این قیدها نیز مختص به حالت و زمان خاص خود است؛ به عنوان مثال، قید «ئیرنگه / eirenga» تنها در زمان حال به کار می‌رود؛ مثلاً وقتی کسی می‌گوید: «که‌ی هاتیده‌سه مال؟» (kai hateidasa mal) (کی به خانه برگشتی؟)، در جواب گفته می‌شود: «ئیرنگه»؛ یعنی «الان»، «هم اکنون» [به خانه برگشتم].

پرسش: کی به خانه برگشتی؟

kaê hatina râ mâl

لکی: که‌ی هه‌تینه را مال؟ /

kaê hâteyaw/ hâteya râ mâl

خزلی: که‌ی هاتیه‌و / هاتیه مال؟ /

kaê hâtidaw râ mâl

کلهری: که‌ی هاتیده‌و را مال؟ /

پاسخ: الان / هم‌اکنون

لکی: ئسکه / eêska

خزلی: ئیرنگه / eêrenga

کلهری: ئیرنگه / eêrenga

#### ۲-۲-۲. قید شباهت

قیود شباهت که برای بیان همسانی و همانندی دو چیز به کار می‌روند در فارسی عبارتند از همانند، همچون، همسان و... در زبان کردی نیز قیدهای شباهت وجود دارند و در این جا به یک مورد اشاره می‌شود. این قید در سه گویش مورد بحث، با وجود شباهت در ساختار اصلی و حروف آغازین، در حروف پایانی تفاوت دارد.

مثال: فلانی [از نظر زیبایی صورت] مثل خورشید است.

felâni dam-e çawê menêiga xwar

خزلی: فلانی ده‌م چه‌وی متیگه خوه‌ر /

لکی: فلانی ده‌مۆ چه‌می مه‌ئیتیه‌ر هۆره‌ر (چۆ هۆره‌ر) /



felâni damêw çamê menêêar hewar (çû hewra)

کلهری: فلانی دهم چه‌وی مبتدیده خوه‌ر / felâni dam çawê mynêida xwar

### ۲-۲-۳. قید حالت

قید حالت، بیانگر کیفیت و چگونگی انجام عمل است. در زبان کردی نیز قیدهایی وجود دارند که حالت و وضعیت چیزی را بیان می‌کنند. در این جا به یکی از این قیدها اشاره می‌شود؛ مثلاً برای این که بگوییم «کتاب را این گونه باید بگیری»، معادل «این گونه» که قید حالت است، در گویش خزلی از «ئویجهره» یا «وه‌یجه» و در لکی از «هونه» استفاده می‌شود، اما در گویش کلهری قید حالت «له‌وا» یا «له‌یوا» به کار می‌رود.

کلهری: کتاوه بایده وه‌یجه بگری / ketâwa bâêad waêja begeri

لکی: کتاوه باد هونه بگری / ketâwa bâd hona begeri

کلهری: ئه له‌یوا بایده کتاوه‌گه بایده بگریده‌ئ / a laêwâ ketâwaga bâêad begeridenaê

### ۲-۲-۴. قید پرسش

قیده‌های پرسش معمولاً در آغاز جمله می‌آیند. مهم‌ترین قیده‌های پرسش در کردی جنوبی عبارتند از ۱- «چق/çû» ۲- «چه‌یگه/çêêga» ۳- «چه‌س/ças» ۴- «ئرا چه/erâ çâ» ۵- «چه/çê» همه این قیدها کاربرد همسانی در سه گویش خزلی، لکی و کلهری دارند ولی برای تمایز آن‌ها از هم به تفاوت‌هایی که در برخی از آن‌ها موجود است اشاره می‌شود:

#### ۱- قید «چق»

برای مثال در جمله «چه طور آمدی؟» در هر سه گویش این گونه است:

کلهری: چق هاتیده؟ / çû hâtida?

لکی: چق / چقن هه‌تین؟ / çû/çûn hatin?

#### ۲- قید «چه‌یگه»

برای مثال در جمله «چی‌ه؟ انگار شیر شکار کردی؟»

کلهری: چه‌یگه؟ چمان شیر کوشتی‌ه؟ / çêêga çemân şêr kweştya

لکی: چات؟ مه‌ئ شیرت کوشتی‌ه؟ / çât marê şêret kweşteêa

کلهری: چوه‌یگه؟ چمان شیر کوشتی‌ه؟ / çêêga çemân şêr kweştyda

ساختار این قید پرسشی در دو گویش خزلی و کلهری بسیار شبیه هم است، ولی تفاوت آن‌ها در این است که در کلهری حرف «و» نیز بعد از حرف «چ» آمده است. ساختار این قید در لکی کاملاً متفاوت با دو گویش دیگر است.

### ۳- قید «چه‌س»

کاربرد این قید نیز همچون قید «چه‌یگه» است. قید «چه‌س» در گویش خزلی و لکی دقیقاً مثل هم است اما در گویش کلهری حرف «و» به حرف «ه» اضافه شده و «چوه‌س» به کار می‌رود.

مثال: «رنگ پیراهنت چیست؟»

لکی و خزلی: ره‌نگ کراسه‌د چه‌س؟ / fange kerâsed ças ?

کلهری: ره‌نگ شه‌یوه د چوه‌س؟ / fange šaüwad çowas?

### ۴- قید «ثرا چه»

این قید که معادل «برای چه» در فارسی است، در لکی به صورت «ئه‌را / ařâ» و در خزلی و کلهری به شکل «ثرا چه؟ / eřâ çâ» به کار می‌رود.

مثال: «برای چه دیر به کلاس آمدی؟»

لکی، خزلی: ئه‌را دیر هاتیده کلاس / eřâ deir hâtyda kelâs?

کلهری: ئه‌را چه دیر هاتیده کلاس / eřâ çâ deir hâtyda kelâs?

### ۵- قید «چه»

این قید زمانی به کار می‌رود که مخاطب، کار غیرمنتظره و شگفت‌آوری انجام داده است و گوینده با گفتن «چه» (çâ) هم از او سؤال می‌کند و هم ابراز تعجب می‌نماید. این قید در هر سه گویش به یک شکل به کار می‌رود.

### ۲-۳. کاربرد ضمائر در جمله

کاربرد ضمیر در برخی از افعال این سه گویش متفاوت است؛ یعنی جای ضمیر تغییر می‌کند.

مثال: «به جایی بروم که کسی من را نشناسد»:

کزلی و کلهری: بچمه ولاتی که‌سی م نه‌ناسی (نه‌ناسیگه‌م) /

beçema welâtê kasê me nanâsê (nanâsêgam)

beçema welâtê kasê našnâsêgam

لکی: به‌چمه وه‌لاتی که‌سی نه‌شناسیگه‌م /

ضمیر «من» در گویش‌های خزلی و کلهری در خود فعل می‌آید با این تفاوت که در کلهری به جای حرف «گ» از حرف «د» استفاده می‌شود. اما در گویش لکی این ضمیر به کلمه قبل از فعل می‌چسبد و فعل به صورت غایب صرف می‌شود.

مثال: «از نوکیسه پول قرض نگیر، اگر قرض گرفتی آن را خرج نکن»:

خزلی: یه تازه کیسه پۆل قه‌رت نه‌که، ئه‌گر کردی خه‌رجی نه‌که /

ya tâza kisa pül qart naka, agar kerdi xarjê naka

لکی: ئی نه‌ی قه‌ی پۆل قه‌رت نه‌که، ئه‌ر قه‌رتد کرد خه‌رج نه‌کی /

eê naiwai pül qart naka, arqarted kerd xarj nakaê

کلهری: له نه‌وکیسه پۆل قه‌رت نه‌که، ئه‌ر کردی خه‌رجی نه‌که /

la nawkisa pül qart naka, ar kerdi xarjê naka

مثال بالا که هر دو ضمیر اول شخص و دوم شخص مفرد را در خود دارد، نشان می‌دهد که در گویش لکی ضمیر به اسم ما قبل حرف می‌چسبد ولی در گویش خزلی و کلهری ضمیر در فعل می‌آید.

مثال: «تا من حرف زدم، تو هفتاد تیر چوب‌های اتاق خانه دایات را شمردی»:

خزلی: تا م قسه کردم ت هه‌فتاد تیر ئتاق ماڻ خالوود شماری /

tâ me qesa kerdem te hafta tira etâqe mâle xâlud šemârti

لکی: ئی وڤه‌ختی م گه‌په مه‌م هه‌فتا چووه ئوتاق ماڻ هالووت شمارد /

eê vaxtê me gapa mam haftâ çuwa otâq mâl hâlut šemârd

کلهری: تا م قسه کردم ت هه‌فتا تیر له اتاق ماڻ خالوود شماردین /

tâ me qesia kerdem te hafta tir la etâqe mâle xâlued šemârdiden

## ۲-۲-۴. کاربرد پیشوند

پیشوند به معنی پیش‌نهاد یا پیش‌واقع‌شده است. پیشوندها، الفاظ و حروفی هستند که به آغاز کلمات می‌پیوندند و در معنی کلمه تغییراتی ایجاد می‌کنند و مفهوم تازه‌ای که با معنی اصلی کلمه مناسبت دارد، پدید می‌آورند (ر.ک: وزین پور، ۱۳۷۵: ۲۲۳). در زبان کردی نیز پیشوندهای فراوانی وجود دارند که در آغاز کلمات آمده و معنی آن‌ها را تغییر می‌دهند. در ادامه بحث به ذکر چند مورد از این پیشوندها بسنده می‌شود.

۲-۲-۴. پیشوند «در»

این پیشوند در برخی گویش‌های کردی جنوبی کاربرد دارد و در برخی گویش‌ها نیز به کار نمی‌رود. برای نمونه در جمله «حسن از دست نگهبان دررفت (فرار کرد)»: در گویش خزلی و لکی از پیشوند «در» استفاده نمی‌شود ولی در گویش کلهری پیشوند «در» به کار می‌رود:

خزلی: حه‌سه‌ن یه ده‌س نگه‌هبان ئیر چی / hasan ya das-e negahbân êerêê

لکی: حه‌سه‌ن ئی ده‌س نگه‌هبانه چی ئیر / hasan eê dase negahbâna êeêr

کلهری: «حسه‌ن له ده‌سه شنه‌پا (نگهبان) ده‌ر چی / hasan la dase šanpa darêchi

ساختار فعل در دو گویش لکی و خزلی بسیار به هم نزدیک است. به نظر می‌رسد که به کارگیری این پیشوند در گویش کلهری به تأثیر از زبان فارسی باشد. البته، در این مورد که پیشینه استفاده از این پیشوند در کدام یک از زبان‌های کردی و فارسی کهن‌تر است، نمی‌توان نظر قطعی داد.

گاهی نیز در گویش کلهری، پیشوند «در» برای بیرون آوردن چیزی به کار می‌رود، ولی در گویش خزلی و لکی از آن استفاده نمی‌شود.

مثال: «امیر کتاب را از قفسه بیرون آورد»:

خزلی: ئه‌میر کتاوه یه قه‌سه‌سه ئیرهاورد (هاورده ده‌یشت) /

amir ketâwa ya qafasa eêr hawerd (hâwerda daišt)

لکی: ئه‌میر کتاوه ئی نام قه‌سه‌سه ئاوردیر / amir ketâwa eê nâm qafasa âwerdeêr

کلهری: ئه‌میر کتاوگه له ناو قه‌سه‌سه‌گه در آورد یه‌یر /

amir ketâwaga la nâw qafasaga derâwerdêr

به نظر می‌رسد این فعل گویش کلهری، همان «در آورد» فارسی باشد که اندکی تغییر کرده است.

۲-۲-۴. پیشوند «یا ئیقه، ئه‌خکه، ئه‌قه‌وره» (آن)

این پیشوند که در فارسی در واژه «آن قدر» (به اندازه‌ای) دیده می‌شود، در سه گویش مورد بحث به صورت‌های متفاوت برای ساختن قید به کار می‌رود.

مثال: «آن قدر رفت و آمد کن که احترام خودت را از دست ندهی»:

خزلی: ئیقه به‌و و بچوو قوربد نه‌چوو / eêqa baw-o beçu qwerbed naçu

لکی: ئه‌خکه بوورئ بچوو قوربد نه‌چوو / axka burê beçu qwerbed naçu

کلهری: ئەقەورە بەو و بچوو قوربەد نەچوو / aqawra baw-o beçu qwerbed naçu  
 ساختار این قید در خزلی و کلهری تقریباً شبیه هم است و فقط در کلهری حروف «و» و «ر» اضافه شده است اما در لکی، ساختاری کاملاً متفاوت با دو گویش دیگر دارد.

### ۲-۲-۴-۳. پیشوند نفی

منفی کردن فعل در گویش خزلی با دو گویش لکی و کلهری بسیار تفاوت دارد.  
 مثال: «شب‌های زمستان سال نمی‌شود، ابله با خیال ثروتمند نمی‌شود».

در گویش خزلی پیشوند منفی‌کننده «ن» به آغاز فعل و حرف «گ» به آخر آن اضافه می‌شود:

خزلی: شه‌وار زِمسان وه سالَ نمه‌وو، ئەولە وه خِیالَ وه مالَ نمه‌و /

šawâr-e zemsân wa sâl nemaw, awla wa xeêâl wa mâl nemaw

در گویش لکی نیز «ن» به آغاز و «ی» به آخر فعل افزوده می‌شود:

لکی: شیوه‌ل زمسان ئە سالَ نِمۆن نایان فە خِیالاً سروه‌تمن ساینمالَ نمه‌و /

šêwal-e zemsân aa sâl nemewn, nêên va xeêâl sarwatman sâyâmâl snemaw

در گویش کلهری نیز حرف «ن» به آغاز فعل و حرف «د» به آخر فعل اضافه می‌شود.

کلهری: شه‌وار زمسان وه سال نیه‌ود، ئەولە وه خِیالَ ساومالَ نیه‌ود /

šawâr-e zemsân wa sâl neyauđ, awla wa xeêâl wa sâwmâl neyauđ

بنابراین، در این جا گویش خزلی و لکی با وجود شباهت در استفاده از حروف «ن» و «م» در آغاز

فعل، در حرف آخر فعل با هم تفاوت دارند و این باعث تمایز آن‌ها از هم می‌شود.

مثال: «شمشیر داخل غلاف نمی‌رود»:

šemsêr wa xeîáf nemaçûđ

خزلی: شمشیر وه خِلافَ نمه‌چووگ /

šemsêr va xeîáfâ nemaçuti

لکی: شمشیر وه خِلافا نمه‌چوتی /

šemsêr wa xeîáf nyaçud

کلهری: شمشیر وه غِلافَ نیه‌چوود /

تغییر حروف در پایان فعل «نمه‌چووگ»، «نمه‌چوتی» و «نیه‌چوود» در هر سه گویش به ترتیب «گ»

«ت» و «د» است. در پایان اکثر فعل‌های گویش خزلی، حرف «گ» و در گویش کلهری حرف «د»

می‌آید. در این جا نیز پیشوند نفی در هر سه گویش، حرف «ن» است ولی در گویش خزلی و لکی،

حروف آغازین فعل، شبیه به هم و حروف پایانی متفاوتند. این تفاوت در گویش کلهری در حروف

آغازین و پایانی فعل دیده می‌شود. لازم به ذکر است که این گونه تفاوت‌ها نه تنها باعث ضعیف شدن

این گویش‌ها و به حاشیه کشیده شدن آن‌ها نشده است بلکه اولاً منجر به غنای هر چه بیشتر دایره

واژگانی گویشوران این گویش‌ها شده است و ثانیاً بر ظرافت‌های زبانی این گویش‌ها افزوده است و آن‌ها را از خطر نابودی و اضمحلال دور کرده است؛ زیرا اگر در هر کدام از این گویش‌ها یک واژه خاص یا یک قاعده زبانی وجود نداشته باشد می‌توان آن را در گویش‌های دیگر یافت و این گونه سلامت و صلابت زبان کردی را حفظ کرد.

### ۳. نتیجه‌گیری

سه زیرگویش خزلی، لکی و کلهری در طول زمان در سایش و برخورد با هم بوده‌اند و از لحاظ صرفی و نحوی بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. این سه گویش در موارد دستوری فراوانی با هم اشتراک دارند، ولی تفاوت‌هایی نیز در تصریف فعل، کاربرد ضمائر، قیدها، حروف اضافه و پیشوندها با هم دارند، اما این تفاوت‌ها باعث دوری و بیگانه‌شدن این گویش‌ها از هم نشده است بلکه باعث تمایز آن‌ها از هم و غنای هر چه بیشتر زبان کردی به‌ویژه گویش کردی جنوبی شده است. این تفاوت‌ها یا با تغییر ساختار کلی فعل یا اسم و یا با حذف، اضافه شدن و تغییر برخی از حروف فعل یا اسم نمود می‌یابد. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش این است که کاربرد فعل ماضی استمراری در گویش کلهری نسبت به گویش خزلی و لکی بسیار کمتر است. هر کدام از این گویش‌ها دارای نظام آوایی و دستوری خاص و مستقل خود هستند و این گونه نیست که گویش خزلی یا لکی را جزوی از کلهری یا برعکس بدانیم. تفاوت‌های میان این گویش‌ها موجب غنای بیشتر و گستردگی گویش کردی جنوبی و در نتیجه، اعتباریافتن هر کدام از آن‌ها شده است. تفاوت‌هایی که میان این گویش‌ها وجود دارد باعث نمی‌شود که گویشوران آن‌ها سخنان و جملات همدیگر را به صورت کامل درک نکنند، بلکه فهم برخی از واژه‌ها و اصطلاحات یا تعابیر برای آن‌ها سخت و دشوار است.

### منابع

#### کتاب‌ها

- بدلیسی، امیر شرف خان (بی‌تا)، شرفنامه تاریخ مفصل کردستان، مؤسسه مطبوعات علمی، چاپ اول.
- بلو، جویس و باراک، ویسی (۱۳۸۷)، دستور زبان کردی (کرمانجی)، ترجمه علی بلخکانلو، تهران.
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۰) جلد دهم، تهران.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، ج ۶، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹)، بومیان درّه مهرگان، کرمانشاه، انتشارات ماهیدشت، چاپ اول.
- رحیمی، کیومرث (۱۳۷۹)، هرسین در گستره تاریخ، مؤسسه فرهنگی، هنری کوثر، چاپ اول.
- رخزادی، علی (۱۳۷۹)، آواشناسی و دستور زبان کردی، تهران، ترفند، چاپ سوم.
- رضایی، اکبر، کریمی، نورالله (۱۳۸۵)، یکهزار ضرب‌المثل کردی، کرمانشاه، انتشارات کرمانشاه، چاپ اول.
- السید احمد، السید نریمان مصطفی (۱۹۷۹)، بیلوکرافیا الکتب الکردیه، مطبعة المجمع العلمی العراقی.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۷۰)، میژوی ته‌ده‌بی کوردی، ج ۱، بانه کردستان، ناجی، چاپ اول.
- عشوری، محمد (۱۳۸۴)، نگرشی نو به فعل فارسی، تهران، نشر کوچک.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- کریمی دوستان، غلامحسین (۱۳۸۰)، کردی ایلامی، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان، چاپ اول.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴)، «گفتارهایی درباره زبان و هویت» تهران، مؤسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- محمدی، آیت‌الله (۱۳۷۶)، جغرافیای تاریخی ایوان غرب، ایوان کلهر، ناشران قم، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی، یک جلدی، تهران، انتشارات معین، چاپ چهاردهم.
- وزین‌پور، نادر (۱۳۷۵)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات معین، چاپ سوم.

#### پایان‌نامه

- پالیزبان، کرم اله (۱۳۸۰)، «نظام آوایی، گویش کردی ایلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.

### مقالات

- البصیر، کامل حسن (۱۴۰۳)، «من مشکلات اللغة الكردية من أدبها»، المجمع العلمي العراقي، المجلد الرابع و الثلاثون، الجزء الثاني، صص ۹۶-۱۱۳.
- پیری، تیمور (۱۳۸۳)، گویش لکی ایلام و جایگاه زبانی، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۱۱۴-۱۲۲.
- محمد ابراهیمی جهرمی، زینب و مرادخانی، سیمین (۱۳۸۷)، «پسوندهای فعلی گویش لکی هرسینی»، مجلن نقد زبان و ادبیات خارجی، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۴.
- خوشبخت، طیبه، (۱۳۸۵)، «توصیفی مقابله‌ای از آواهای گویش خزلی از زبان کردی و گونه رسمی فارسی معیار»، فصلنامه پازند، سال دوم، شماره ۶.
- میرزایی، جعفر و قیطور عامری، (۱۳۸۵)، «واژه‌ها و اصطلاحات کشاورزی در گویش لکی»، گویش‌شناسی، دوره ۳، شماره ۱ و ۲.
- همتی، ابوذر (۱۳۷۵)، «ریشه یابی واژه برد در زبان‌های کردی و لری»، مجله چیستا، شماره ۱۳۴ و ۱۳۵، صص ۳۸۱-۳۸۷.